



یادداشت

چاره کار ایستادن در صف نیست!

صادق کار



روز پنج شنبه این هفته مقامات دولتی بالاخره رسماً خبر افزایش قیمت یک سری از کالاهای اساسی را اعلام کردند. بر اساس تصمیم دولت قیمت مواد لبنی، روغن، مرغ و تخم مرغ از ۲۲ اردیبهشت افزایش داده شد.

البته این ها کالاهایی هستند که قیمت آنها اعلام شده است. افزایش قیمت شامل اکثر کالاهای دیگر نیز شده است اما دولت رسماً حاضر به تأیید همه آنها نیست و در واقع ابعاد گرانیها را که در هفته گذشته با ۱۲ برابر شدن قیمت آرد شروع کرد دارد سانسور می کند.

قیمت اقلامی که از ۲۲ اردیبهشت باید به مشتری عرضه شوند از مدتها پیش همه روزه در حال ترقی بود و حساب و کتابی در نرخ گذاری وجود نداشت. بهمین جهت اندازه گیری دقیق میزان افزایش قیمت کمی دشوار است. با این همه افزایش به قدری هست که عده کثیری از مردم را از خوردن مرغ و لبنیات محروم کند. بعد از گرانی شدید گوشت مردم برای تأمین پروتئین مورد نیاز خود به سوی لبنیات و مرغ و تخم مرغ روی آورده بودند که با افزایش شدید قیمت آنها دسترسی بیشترشان به این منابع پروتئینی نیز اگر ناممکن نباشد دشوارتر از پیش خواهد شد. از این گذشته این نرخی است که اتاق اصناف دولتی برای این اقلام اعلام کرده و معلوم نیست فروشندگان آن را بپذیرند و رعایت کنند.

در عوض آوار گرانیهایی که دولت بر سر مردم آوار کرده و تازه هنوز سر بزرگ اش زیر لحاف پنهان است، قرار است به مدت دوماه به جمعیت سه دهک اول ماهی ۴۰۰ و از دهک سوم تا نهم ۳۰۰ هزار تومان یارانه بدهند و گویا بعد از آن یارانه نقدی را می خواهند قطع و در عوض کالابرج بجای آن توزیع شود. از جزئیات آن هم هنوز کسی چیزی نمی داند.

همه کارشناسان اقتصادی و سیاسی که تا کنون در این موارد اعلام نظر کرده اند، متفق القولند که پرداخت این مبلغ یارانه جوابگویی این افزایش قیمت های سنگین نیست. دولت نیز ادعا می کند که علت این شوک درمانی کمبود بودجه است. این ادعا در حالی مطرح است که دولت آمار و ارقامی از افزایش صادرات نفتی و غیر نفتی منتشر کرده



است و مدعی است که حجم صادرات نفت همچنان رو به افزایش دارد. قیمت نفت نیز به بالای ۱۱۰ دلار رسیده است و به افزایش درآمد های نفتی منجر شده است.

با این اوصاف منطقاً وضعیت اقتصادی و به تبع آن وضعیت معیشتی و رفاهی مردم می بایست به همان نسبت افزایش صادرات و درآمدهای نفتی و غیر نفتی بهتر می شد و نه بدتر! اخبار و اطلاعات هم نشان می دهند که در یک سال اخیر بواسطه پیروزی بایدن و جنگ اوکراین و تحولات ناشی از رویدادهای جهانی فروش نفت و مشتقات نفتی افزایش یافته‌اند.

کسری بودجه هم واقعیتی است ملموس که قابل انکار نیست. با این وصف دلیل کسری بودجه را باید به حساب هزینه‌های غیر طبیعی و ریخت و پاشها و بذل و بخششهای ناصواب و ابلهانه حکومت و هزینه‌های سنگین امنیتی گذاشت. آری درآمد برای پائین نگاه داشتن قیمت مایحتاج ضروری مردم و تامین سوبسید کالاهای اساسی و چرخاندن چرخ اقتصاد وجود دار، اما مسئله نحوه اختصاص بودجه است.

نگاهی به ارقام آمده در برنامه بودجه امسال دولت و اختصاص ارقامی که برای ماشین سرکوب و ایدولوژیک حکومت از حوزه‌های علمیه و سازمان تبلیغات اسلامی گرفته تا دستگاه قضایی و سپاه و بسیج و کمیته تا الی آخر نشان می دهد که بیشتر درآمدهای کشور صرف امور می شود که جز زیان و فقر و فلاکت برای آحاد مردم و ثروت و قدرت برای اقلیت حاکم بر کشور ندارد.

این را هم در نظر بگیرید که بخش کلانی از منابع اقتصادی کشور در نهادهایی متعددی همچون ستاد فرمان امام، بنیاد مستضعفین و ده‌ها بنیاد مشابه بطور دربست بدون اینکه حساب و کتابی به کسی پس بدهند قرار دارد و درآمدهای همه این نهادها بین باندهای قدرت تقسیم می شود و از این طریق نیز بخش بزرگی از درآمد کشور بجای اینکه به مصرف زیر ساختهای اقتصادی اجتماعی و بهداشتی برسد توسط این جماعت به غارت برده می شود.

بهمین جهت هم بودجه برای رفع فقر و تامین نیازهای اساسی مردم و کشور وجود دارد و هم امکان افزایش بنیه اقتصادی و تولیدی مشروط به اینکه از حیف و میل درآمد های کشور جلوگیری شود و عبور از وضعیتی که مردم را محتاج نان روزانه شان کرده است وجود دارد. ولی تجربه ۴۰ ساله نشان داده است که با وجود این حکومت رهایی مردم و کشور از مصیبت و فقر و فلاکت و استیصال متصور نیست.

در شب و روز گذشته قبل از رسمی شدن قیمت یک سری از مواد غذایی حیاتی و اساسی رسانه ها عکس و فیلم های متعددی از مردمی که در صف های بی انتها به امید خریدن یک شانه تخم مرغ یا روغن قبل از گران شدن به سر می بردند منتشر کردند. در همان حال در شهرهای خوزستان مردم به تظاهرات خیابانی مشغول بودند و معلمان زیر فشار پلیسی حاکم بر کشور داشتند خود را برای شرکت در تظاهرات سراسری ۲۲ اردیبهشت آماده می کردند.

سالهاست که مردم برای گرفتن کالاهایی که همه روزه گرانتر و کمی یابتر شده‌اند بخشی از ساعات استراحت و تفریح شان را در صف گذرانده‌اند و روز به روز هم قدرت خرید و امکان دسترسی شان به کالا هایی که نیاز دارند کمتر شده است. اکنون دیگر کار مردم از ایستادن در صف گوشت و مرغ و روغن... به ایستادن در صف نان کشیده است. با این وصف معلوم می شود که چاره کار را نه در صف بلکه در جایی دیگری باید پیدا کرد.

چاره را مردم خوزستان و معلمان در اعتراض مشترک خیابانی یافته‌اند و درست هم تشخیص داده‌اند. هموطن، شهروند، انسان، در هر جای دنیا اگر می بینی مردم از رفاه و آسایش و آزادی برخوردارند، بدان آنها را بدون زحمت و مبارزه و اتحاد و همبستگی با تک روی به دست نیاورده‌اند. البته که آزادی و رفاه هزینه دارد، اما هزینه اش بسیار کمتر از تحمل ۴ دهه زندگی زیر شمشیر استبداد، فقر و انواع ستمگری است. صف را رها کن با مردم خوزستان و معلمان، همراه شو آنان را تنها نگذار بپیوند. خواسته های همه ما یکی است، آزادی و عدالت و رفاه.

برای خلاصی از این فجایع مردم باید بصورت جمعی و گسترده به اعتراض علیه سیاستهای ضد مردمی رژیم و عوامل و بانیان آن برخیزند

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!

نه به حذف سوبسیدها و افزایش قیمت نان و کالاهای اساسی!



برنامه های تضمین اشتغال: بررسی تئوریهها و تجربیات عملی بخش سوم

فاضل کیوب



فرض اصلی پیشنهاد او برای آنچه او بیمه عملکرد اقتصادی نام داد، این بود که حکومت باید سیاست تضمین اشتغال کامل را پیش گیرد. به عبارت دیگر، حکومت باید "آماده باشد که به عنوان کارفرمای آخرین راه حل و در صورت لزوم به عنوان اولین فسخ کننده قرارداد" عمل کند. مکانیسمی که این امکان را فراهم می آورد، "گنجینه رزروی از خدمات و کارهای عمومی مزید در سطح ملی" است.

اما این فقط یک سوی معادله مورد نظر پیرسون بود. سوی دیگر معادله، که در واقع برای حفظ اشتغال کامل بسیار هم با اهمیت است، همانا سطح بالای تقاضا برای مصرف است.

بیمه عملکرد اقتصادی

جان اچ. جی. پیرسون (John H.G. Pierson از 1906 تا 2001) اقتصاددانی بود که پستهای مهمی را در وزارت کار آمریکا به عهده داشت و پیش نویس قانون استخدامی سال 1946 آمریکا را تنظیم کرد. او، افسرده از تیره روزیهای بحران بزرگ دهه 30 و سرخورده از مدل‌های غیرواقعی متون درسی اقتصادی، آغاز به کار روی طرحی کرد که می توان گفت به دلمشغولی تمام عمر او تبدیل شد: طرح اشتغال کامل. او نتیجه فکر و ذکرهایش را ابتدا در اولین کتاب اش، به نام *اشتغال کامل*، که در سال 1941 انتشار یافت، ارائه کرد. سپس همان ایده ها را، اما این بار مشروحتر و دقیقتر، در سال 1946 در کتاب *تضمین اشتغال کامل: سیاست آمریکا برای سعادت ملی و توسعه جهانی* بیان کرد.

فرض اصلی پیشنهاد او برای آنچه او بیمه عملکرد اقتصادی نام داد، این بود که حکومت باید سیاست تضمین اشتغال کامل را پیش گیرد. به عبارت دیگر، حکومت باید "آماده باشد که به عنوان کارفرمای آخرین راه حل و در صورت لزوم به عنوان اولین فسخ کننده قرارداد" عمل کند. مکانیسمی که این امکان را فراهم می آورد، "گنجینه رزروی از خدمات و کارهای عمومی مزید در سطح ملی" است.

اما این فقط یک سوی معادله مورد نظر پیرسون بود. سوی دیگر معادله، که در واقع برای حفظ اشتغال کامل بسیار هم با اهمیت است، همانا سطح بالای تقاضا برای مصرف است. تضمین چنین سطحی می تواند و باید توسط حکومت به عنوان کارفرمای آخرین راه حل صورت گیرد، اما احتمال امساک و صرفه جویی بیش از حد در اقتصاد را



نمی توان منکر شد. این رویه باعث کاهش تقاضا و به تبع آن کاهش اشتغال در بخش خصوصی و در نتیجه منجر به بیکاری دوباره خواهد شد. اگر ظرفیت آن گنجینه رزرو چندان باشد که به افزایش مداوم "شاغلان آخرین راه حل" اجازه دهد، مشکلی پیش نخواهد آمد و سستی سیستم بیمه عملکرد اقتصادی برطرف خواهد شد. برای پرهیز از این سناریو، تأکید پیرسون این است که دولت باید حجم هزینه های مصرف کننده را در سازگاری با سطح اشتغال کامل مولد تضمین کند و به این سازگاری متعهد باشد. این مهم می تواند از طریق تعدیل مالیات مصرف کننده یا پرداخت های انتقالی^(۱)، مالیات منفی بر درآمد^(۲)، برگرداندن مالیات بر فروش^(۲) یا پاداش فروش خرده فروشی در سطح فدرال انجام شود. ابزار این سیاست هم می تواند تمبر "افزایش درآمد" باشد که قابل تبدیل به پول نقد است.

پیرسون با پیشنهاد خود نشان داد که دارای اهمیت فوق العاده است نه تنها تقاضای کل کنونی (از طریق گنجینه رزرو کارها و خدمات عمومی)، بلکه بازارهای آینده نیز، که موجب افزایش انتظارات و به تبع آن موجب افزایش سرمایه گذاری خواهد شد، تضمین کردند. از این رو، ویژگی لزوم اعتمادسازی مضاعف پیشنهاد پیرسون تضمینی خواهد بود که مشاغل کافی وجود داشته باشند و بازار هم در سالهای متوالی در سطح مناسبی کارکرد داشته باشد. علاوه بر این، پیرسون بر این نظر بود که بیمه عملکرد/اقتصادی احتمال وقوع تورم را هم از بین می برد. با ایجاد درجاتی برای اشتغال و مخارج مصرف کننده و همچنین سقفهایی برای هر دو، هیچ ماریپیج تورمی نمی تواند رخ دهد، و در صورت نیاز، دولت می تواند تا اطلاع ثانوی یارانه های مصرف کننده را کاهش دهد و/یا خواستار بازگرداندن برخی از کارهای عمومی به گنجینه رزرو شود.

اگرچه پیشنهاد پیرسون به عنوان سیاستی برای رفاه ملی-داخلی مطرح شد، اما به زعم او مزایای بین المللی خود را نیز دارد. اگر اشتغال کامل داخلی از طریق بیمه عملکرد اقتصادی تضمین شود، فشار کمتری بر تولید نندگان داخلی وجود خواهد داشت از این بابت که نگران یافتن بازارهای بیشتر یا جدید در سطح بین المللی باشند، زیرا تقاضا و مشاغل داخلی از قبل تضمین شده اند. پس این کیفیت فضای بیشتری برای گسترش صادرات کشورهای در حال توسعه و حرکت از مناسبات مبتنی بر کمک رسانی به آنها به مناسبات مبتنی بر تجارت با آنها باقی می گذارد

1. پرداخت انتقالی: در اقتصاد کلان و اقتصاد مالی، پرداخت انتقالی اصطلاحی است برای بازتوزیع درآمد و ثروت از طریق پرداخت دولتی، بدون این که در ازای آن کار، کالا یا خدمتی دریافت شود

2. مالیات منفی بر درآمد: اصطلاحی در علم اقتصاد است برای یک سیستم مالیاتی. به موجب این سیستم درآمدهای سالانه کمتر از یک مقدار معین، نه تنها مالیاتی به دولت نمی پردازند، بلکه مبلغی هم از دولت دریافت می کنند

3. مالیات بر فروش: مالیاتی است در امریکا، که بر فروش یا اجاره کالا و خدمات بسته می شود. مالیات بر فروش یک مالیات ایالتی است. بنابراین مالیات بر فروش عمومی (در سطح فدرال) وجود ندارد

اتحاد، همبستگی، تشکل ضامن پیروزی است!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

از مبارزات کارگران و مزد بگیران علیه قراردادهای موقت و پیمانی حمایت کنیم!

خامنه‌ای و چرایی دیدار با کارگران

صادق



علی خامنه‌ای در ۱۹ اردیبهشت در دیدار با عده‌ای از کارگران گزینه شده توسط تشکلهای حکومتی و وزیر کار از آنان خواست از سیاستهای اقتصادی دولت حمایت کنند. خامنه‌ای در این دیدار همچنین پس از اشاره به بوسیدن دست کارگر توسط پیغمبر و کشته شدن ۱۴ هزار کارگر در جریان جنگ ایران و عراق تلویحا از کارگران خواست از نیروهای تحولخواه مخالف رژیم فاصله بگیرند تا حکومت خواسته‌های آنان را برآورده نماید.

او پس از اذعان به وجود نارضایتی و اعتراض در میان کارگران از نظام حاکم برخی از اعتراضات آنان را بر حق دانست و اسلام را حامی کارگر خواند و مقصود از دیدار با کارگران را تشکر از زحمات آنان عنوان کرد. تنها موردی از اعتراضات که از نظر خامنه‌ای کارگران در انجام آن محق بوده‌اند، اعتراض به تغییر کاربرد واحدهای واگذار شده به بخش خصوصی است.

او کلمه‌ای در محکومیت سرکوب اعتراضات و به زندان انداختن کارگران و معلمان، دستمزدهای زیر خط فقر و معوقه، محرومیت از حق تشکل و اعتراض نگفت و در واقع از همه آنها حمایت کرد و حاضر نشد اعتراضات کارگران و حقانیت خواسته‌هایشان را به رسمیت بشناسد.

مثلی هست که می‌گوید از صحبت کم کن و بر مبلغ افزا! حالا حکایت خامنه‌ای است که به سبک و سیاق خمینی از کارگر و مقام کارگر ظاهرا تجلیل می‌کند و به کارگر وعده‌های مختلف می‌دهد ولی در عمل حقوقی برای کارگر قائل نیست.

بوسیدن دست کارگر به فرض محال هم اگر توسط خامنه‌ای اتفاق افتاده بود، یا گفتن اینکه اسلام حامی کارگر است وقتی کارگر در عمل خلاف آن را در نظام اسلامی خامنه‌ای تجربه کرده و می‌کند نه به کار کارگر می‌آید و نه یکی از ده‌ها مشکلی را که خامنه‌ای و زبردستان وی برای کارگر آفریده‌اند، رفع می‌کند.

چهل و چهار سال پیش خمینی و همدستان او با همین وعده‌های کاذب بود که توانستند حمایت کارگران را برای مدتی به دست آورند اما وقتی خرشان از پل مراد گذشت و سوار بر قدرت شدند صد و هشتاد درجه خلاف وعده‌هایشان عمل کردند و با سرکوب و کشت و کشتار بتدریج خیلی از حقوقی را که کارگران و بقیه مردم قبل از انقلاب ۵۷ با مبارزه به دست آورده بودند از آنان پس گرفتند.

در آن موقع البته فریب مردم بواسطه دیکتاتوری طولانی بسیار سهلتر از امروز بود، اما پس از گذشت ۴۴ سال کارگران دیگر فریب ادعاهای خامنه‌ای و همدستان شاید وی را نمی‌خورند و می‌دانند که ادعاهای مطروحه توسط خامنه‌ای کذب محض است و اگر مجبور شده وعده‌ای بدهد از بیم و نگرانی به خطر افتادن دستگاه خلافت هارونی و



ثروت قارونی اش در اثر مبارزات و نارضایتی فزاینده کارگران و سایر گروه‌های مردمی است. او در سال ۵۷ قدرت کارگران ناراضی و معترض را دیده است و نمی‌خواهد بار دیگر آن را در برخورد با رژیم خودش نیز تجربه کند.

کارگران می‌بینند که به رغم همه آن وعده‌ها پس از گذشت ۴۳ سال از انقلابی که با وعده آزادی و رفاه و عدالت شروع شد، نه تنها هیچکدام شان عملی نشده است بلکه در همه زمینه‌ها عقبگرد کرده‌اند.

دستمزد ها و قدرت خریدشان کمتر از یک سوم خط فقر و ارزش آن کمتر از سال ۵۷ است، ۹۶ درصد کارگران و صدها هزار کارمند و معلم و پرستار با قرار داد موقت کار می‌کنند و نارضایتی در میان کارگران و مزد و حقوق بگیران هیچگاه به اندازه امروز شدید نبوده است. کارفرما هر وقت که اراده نماید می‌تواند کارگر را اخراج کند، حق اعتصاب و تشکل وجود ندارد و تبعیضاتی که علیه زنان در محیط‌های کار اعمال می‌شود بسیار شدیدتر از سالهای پیش از انقلاب است. شکاف طبقاتی و فاصله بین فقیر و غنی به اندازه امروز این همه ژرف نبود.

کار کودک، فقر، محرومیت از تحصیل نسبت به سال ۵۷ بیشتر شده است. تامین نان خالی به دغدغه ده‌ها میلیون کارگر و تهی دست تبدیل شده است هیچکس به فردای خود اطمینان ندارد. کارگران جوان در اثر فقر و استیصال و ستم در همین نظامی که خامنه‌ای بر راس آن جا خوش کرده و لاف آن را می‌زند، دست به خودکشی می‌زنند.

این‌ها تنها شمه‌ای از واقعیت آن مدینه فاضله اسلامی برتر از کاپیتالیسم و کمونیستی است، که خامنه‌ای و خمینی و همدستان آنان به کارگران وعده اش را داده بودند و در این دیدار هم لاف اش را می‌زند.

خامنه‌ای و محافظه کاران همراه و هم خط وی بیشترین نقش را در بزیر خط فقر راندن کارگران و گسترش بی سابقه فقر و بی عدالتی و بیچارگی زحمتکشانشان داشته‌اند. و وضعیت فعلی بیش از همه نتیجه رهبری و عملکرد خامنه‌ای است. حال با این اوصاف این سوال پیش می‌آید که چرا در اوج نارضایتی و اعتراضات عمومی فیل خامنه‌ای یاد هندوستان کرده و بفکر (تشکر) از کارگران گرسنه و موعظه کردن آنان افتاده است؟

او البته به موعظه و تعریف و تجمید بی هزینه بسنده نکرده و وعده‌هایی نیز به کارگران داده است که نمی‌تواند ناشی از نگرانی وی از گسترش روز افزون اعتراضات و درماندگی نیروی سرکوب رژیم از پایان دادن به آنها نباشد. او حالا که نارضایتی از رژیم در جامعه به حد اعلا رسیده و گرایش به همراهی میان گروه‌های اجتماعی مخالف استبداد و بی عدالتی در حال تعالی است و سرکوب هم دیگر چاره ساز نیست به فکر ایجاد تفرقه در جنبش مردمی سراسری افتاده است.

خامنه‌ای به کارگران وعده ایجاد اشتغال، تنظیم عادلانه رابطه کار و سرمایه، و تامین امنیت شغلی، یعنی بخشی از همان چیزهایی را که رژیم او از کارگران گرفته است را به آنان داد و در عوض رندانه از کارگران خواست از رژیم او حمایت کنند و از پیوستن به نیروهای تحولخواه اجتناب کنند.

چیزهایی که خامنه‌ای به کارگران وعده داد در واقع از محورهای کشمکش میان حکومت و کارفرمایان از یکسو و کارگران از سوی دیگر در سالهای گذشته بوده اند. هم از این رو انتخاب این موارد بی حساب و کتاب نیست. این برخورد به هر نیت و دلیل که صورت گرفته باشد نوعی عقب نشینی تاکتیکی از موضع نگرانی در مقابل کارگران و تلاشی است به منظور مهار نارضایتی گسترده کارگران و ایجاد شکاف بین آنان با سایر گروه‌های اجتماعی خصوصا با جنبش معلمان.

ماموریت انجام این وظیفه نیز به وزیر کار و تشکلهای کارگری حکومتی سپرده شده. با این وصف خامنه‌ای تا اطلاع ثانوی با طرح استیضاح وزیر کار و تضعیف دولت رئیسی که از طرف مخالفان حکومتی دولت دنبال می‌شود هم مخالفت کرده و آن را فعلا از دستور کار نمایندگان مجلس خارج کرده است.

به نظر می‌رسد هدف از این تلاش عبث علاوه بر تفرقه معطوف به ایجاد یک پایگاه حداقلی توده‌ای شبه فاشیستی برای دولت سست بنیاد و ولایی رئیسی به منظور مقابله با تشکیل اپوزیسیون دموکراتیک با پایگاه توده‌ای استوار و حفظ نظام است. سپاه و بسیج نیز نقش بازوی سرکوب و نظامی آن را خواهند داشت. با این همه دور از تصور می‌نماید که چنین طرح‌هایی از فعل به عمل درآیند. یعنی وضعیت فعلی اجازه آن را نمی‌دهد.

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری

همچنان که سرکوب سعبانه سازمانهای معلمان و محکومیت رهبران آنها به حبس های طولانی، تبعید و اخراج نتوانست به جنبش و مطالبات معلمان پایان دهد، سرکوبهای ۲۲ اردیبهشت و ربط دادن جنبش مستقل و سرافراز معلمان و رهبران آن به بیگانه توسط نیروهای امنیتی تبهکار و اتهامات نخ نما و پوسیده مشابه نخواهد توانست، جنبش قائم به ذات و مدنی معلمان را که از اعتبار ملی برخوردار است و در قلوب معلمان و عدالت طلبانه جای دارد از حرکت و پویایی و جهتی که برگزیده باز دارد.



برگزاری اعتراض معلمان در ده ها شهر

تجمع های اعتراضی از پیش اعلام شده معلمان به رغم همه تهدیدات نهادهای حکومتی و وزیر آموزش و پرورش و بازداشت های گسترده پیشگیرانه در ۲۲ اردیبهشت در بیش از ۳۵ شهر برگزار شد. این تجمع با فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در فضای امنیتی سنگین و در شرایطی برگزار شد که پلیس امنیت از قبل برای جلوگیری از برگزاری تجمع ها بسیج شده بود و ماموران سرکوب آتش به اختیار از هیچ نوع وحشیگری علیه معلمانی که برای حضور در تجمع ها آمده بودند دریغ نکردند.

در تهران و اصفهان محل های برگزاری تجمع ها از ساعتها قبل توسط ماموران سرکوبگر رژیم به اشغال درآمده بود و ماموران تا شعاع چند کیلومتری اجازه تردد به کسی نمی دادند.

در اکثر شهرهایی که ماموران موفق به جلوگیری از برگزاری تجمع ها نشدند شرکت کنندگان با خشونت و وحشیگری مورد ضرب و شتم قرار گرفتند و ده ها نفر از آنان بازداشت شدند که بسیاری از آنان همچنان در بازداشت بسر می برند.



نیروهای امنیتی که از یک هفته پیش با یورش وحشیانه به خانه های رهبران شورای هماهنگی و دیگر فعالین صنفی و پرونده سازی برای آنان برای جلوگیری از تجمع ها به تقلا افتاده بودند به رغم بازداشت رهبران سرشناس شورای هماهنگی در نهایت نتوانستند از برگزاری اعتراضات در ده ها شهر جلوگیری کنند.

حملات روز گذشته سرکوبگران حاکم به تجمع ها و تشکلهای معلمان تداعی کننده یورش سهمگین نیروهای امنیتی به تجمع ها و تشکلهای معلمان در سالهای نیمه اول دهه ۸۰ بود. در یورش ۲۲ اردیبهشت نیز امنیتی های آتش به اختیار از همان وسایل و ابزار آلات دهه ۸۰ استفاده کردند. بهانه ها و توجیحات و اتهاماتی که به معلمان حق طلب وارد آوردند نیز عینا مشابه بود. اما همچنان که سرکوب سبانه سازمانهای معلمان و محکومیت رهبران آنها به حبس های طولانی، تبعید و اخراج نتوانست به جنبش و مطالبات معلمان پایان دهد، سرکوبهای ۲۲ اردیبهشت و ربط دادن جنبش مستقل و سرافراز معلمان و رهبران آن به بیگانه توسط نیروهای امنیتی تبهکار و اتهامات نخ نما و پوسیده مشابه نخواهد توانست، جنبش قائم به ذات و مدنی معلمان را که از اعتبار ملی برخوردار است و در قلوب معلمان و عدالت طلبانه جای دارد از حرکت و پویایی و جهتی که برگزیده باز دارد.

مبارزه معلمان تا آزادی رهبران شان، به رسمیت شناخته شدن حقوق سندیکایی و مطالبات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی شان و تا نیل به آزادی و عدالت اجتماعی با نیرو و توان به مراتب بیشتری از گذشته تا پیروزی ادامه خواهد یافت و از پشتیبانی عموم مردم برخوردار و از آن نیرو خواهد گرفت.

هزاران نیرو و رهبر در میان جنبش معلمان طی دو دهه گذشته سر برآورده اند که جای خالی رهبران زندانی را خواهند گرفت و جنبش خود را پیش خواهند راند!

تظاهرات پر شکوه معلمان مریوان برای آزادی همکاران زندانی شان

معلمان مریوانی دو روز بیشتر از اعتراض سراسری معلمان با برگزاری یک اعتراض پرشکوه و متحدانه در ۱۹ اردیبهشت در شهر مریوان که علیه بازداشت دو تن از رهبران کانون صنفی معلمان انجام دادند، توانستند وسیله آزادی اسکندر لطفی و مسعود نیکخواه را فراهم و به ماموران نشان دهند که بازداشت رهبران تشکلهای صنفی فرهنگیان آنان را از حق خواهی باز نخواهد داشت. حرکت پر شور و خروش معلمان مریوانی از این جهت که در اوج یورش به فعالین صنفی معلمان برگزار شد اهمیت و تاثیر ویژه ای در دادن انگیزه و روحیه و آمادگی برای برگزاری اعتراض سراسری معلمان داشت.

خیزش های معیشتی در شهرهای خوزستان

خیزشهای معیشتی که به دنبال گرانی آرد و نان و سایر کالاهای اساسی در تعدادی از شهرهای خوزستان در روزهای اخیر شروع شده اند به رغم حملات پاسدار استبداد و فساد و بی عدالتی به معترضین همچنان ادامه دارد و دامنه آن به شهرهای درود، شهر کرد و کرمانشاه نیز تا کنون امتداد پیدا کرده است.

رژیم برای جلوگیری از انتشار اخبار اعتراضات مردمی علیه حذف سوبسیدها و افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات اینترنت تلفن همراه را مسدود و محدود نموده است. به همین دلیل هنوز به درستی ابعاد اعتراضات معلوم نیست.

با این احوال اخباری که تا کنون از اعتراضات مردمی در شهرهای، مسجد سلیمان، اندیمشک، ماهشهر، ایذه، جراحی، اهواز و جونقان منتشر شده و بعضا توسط خبرگزاری دولتی ایرنا نیز تأیید شده اند، نشان می دهد که اعتراض به گرانی با شعارهای ضد دولتی همراه شده اند و علیه خامنه ای و رئیسی نیز شعار های تندی داده شده. بعضی خبر ها نیز حاکی از حمله به یکی از پایگاه های بسیج دارد.

در اکثر شهر ها نیز اعتراض و ناراضی می میان مردم موج می زند و مردم بسوی فروشگاه های مواد خوراکی هجوم آورده اند. خبرهایی هم در مورد حمله به چند فروشگاه بزرگ مواد غذایی در تهران منتشر شده که حاکی از نوع دیگری نا آرامی و التهاب است و هر لحظه احتمال دارد به اعتراضات فعالتری تبدیل شوند.

علاوه بر ۳ برابر شدن قیمت کالاهایی که از آرد درست می شوند، روغن، تخم مرغ، مرغ، شیر و مواد لبنی نیز رسماً بین دو تا پنج برابر بطور ناگهانی در صبح ۲۲ اردیبهشت گران شدند.

همچنین گفته می شود قیمت سایر کالاهای خوراکی و غیر خوراکی نیز به شدت افزایش پیدا کرده. ارزش دلار نسبت به ریال نیز ظرف یک روز ۱۵۰۰ تومان افزایش داشته است. خبرهای دیگر هم حاکی از افزایش ۲۵ تا ۳۰



درصدی اجاره بهای خانه دارد. کارشناسان اقتصادی که در این مورد اظهار نظر کرده‌اند، گفته‌اند حذف سوبسیدها روی افزایش قیمت سایر کالاها نیز اثر خواهد گذاشت. حال و روز جامعه شوک زده در همین چند روز نشان می‌دهد که اعتراضات گسترده‌ای علیه گرانی و پیامدهای آن که گرسنگی ده‌ها میلیون نفر از تبعات اجتناب ناپذیر آن است در راه است. فعلا هنوز خیلی‌ها نتوانسته‌اند خود را از تاثیر شوک گرانی‌ها رها کنند. به نظر می‌رسد اعلام قیمت‌های کالاهای حیاتی به فاصله یکی دو روز از هم بخاطر نگرانی داشتن جامعه در شوک برای مهیا شدن با کنشها و واکنشها بوده باشد.

گرانی به تقاضای افزایش دستمزد دامن زده است

گرانی شدید قیمت کالاها با تقاضای افزایش دستمزد دامن زده است. کارگران قرار دادی نفت افزایش ۱۰ درصدی پیشنهادی دولت به دستمزدها را رد کرده و خواهان افزایش ۵۷ و نیم درصد به دستمزدهای خود شده و تهدید به اعتصاب در صورت پذیرفته نشدن درخواست شان کرده‌اند.

۳ هزار کارگر شهرداری شیراز نیز در این هفته پس از انتشار خبر گرانی آرد مقابل شهرداری شیراز تجمع و خواستار افزایش دستمزدهای خود شدند.

اعتراض برای افزایش دستمزد میان بازنشستگان تامین اجتماعی نیز بسیار گسترده است. در یکشنبه این هفته و پیش از رسمی شدن گرانی‌ها بازنشستگان در چندین شهر برای افزایش حقوق‌های بازنشستگی تظاهرات کردند. قطعا بعد از اعلام گرانی‌ها اعتراضات آن وسیعتر خواهد شد.

گروه‌های وسیعی از کارکنان موسسات دولتی نیز در حال آماده شدن برای اعتراض هستند، حقوق‌ها و یارانه‌های موقت دو ماهه به هیچ روی پاسخگوی گرانی‌ها نیست و دولت یا باید حقوق‌ها را ترمیم کند و یا منتظر اعتراضات باشد.

ادامه اعتصاب و اعتراض در شرکتهای پیمانکاری نفتی

به گزارش کانال شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت، اعتصاب و اعتراضات در این هفته نیز در شرکتهای پیمانی و پروژه‌های ادامه داشت. در این هفته سه اعتصاب در تعدادی از شرکتهای انجام شد. یکی از خواسته‌های اصلی کارگران اعتصابی افزایش دستمزد است. افزایش شدید قیمت‌ها به اعتراضات مزدی در میان کارگران پیمانی نیز قطعا دامن خواهد زد.

بازداشت توطئه گرانه دو فعال سندیکایی فرانسوی

ماموران گمنام امام زمان در این هفته برای پرونده سازی و محکوم نمودن رهبران شورای هماهنگی تشکلهای صنفی حيله تازه‌ای بکار گرفتند. ما موران دو عضو یکی از سندیکاهای معلمان فرانسه را که با ویزای توریستی به ایران سفر کرده‌اند بازداشت نمودند تا از آنان علیه معلمان زندانی استفاده کنند. قصد آنان از این کار گرفتن اعتراف اجباری به جاسوسی و داشتن ماموریت از طرف سازمانهای اطلاعاتی خارجی برای ایجاد اغتشاش در ایران با همدستی تشکلهای معلمان است.

معلوم نیست اینها که اینقدر مهارت در گرفتن جاسوس دارند، چرا در گرفتن جاسوسان موساد که در امنیتی ترین دستگاه اطلاعاتی شان نفوذ کرده و کنترل امور سازمانهای اطلاعاتی شان را در دست گرفته‌اند این همه عاجزند؟ تا همین چند هفته پیش شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان را ضد انقلاب می‌نامیدند، حالا به فکر وصل کردن شان به خارجی‌ها هستند.

امروزه همه می‌دانند که این اتهامات کثیف به معلمان نمی‌چسبد و جاعلان آن پیشاپیش نزد مردم رسوا شده هستند. وانگهی داشتن مناسبات سندیکایی یک امر معمول میان اتحادیه‌های کارگری در دنیا است و هیچ ربطی به دولتها و نهادهای دولتی ندارد. جرم بزرگ معلمان از نظر پاسبانان استبداد و بی‌عدالتی حق خواهی معلمان است که آنان تحمل اش را ندارند.

تشدید فشار به فعالین سندیکایی و اجتماعی

علاوه بر بازداشت ده‌ها تن از فعالین صنفی معلمان تعدادی از فعالین سندیکایی و سایر نهادهای مدنی نیز در یکی دوهفته اخیر با یورش ماموران امنیتی به خانه‌هایشان بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شدند. ماموران هنگام بازداشت آنان دلیلی برای کار خود ارائه ندادند و معلوم نیست که اتهام بازداشت شدگان چه بوده است.



بنا به گزارش کانال سندیکای واحد یک روز پس از بازداشت رضا شهبابی از رهبران قدیمی شرکت واحد، در ۲۲ اردیبهشت خانم ریحانه انصاری نژاد را نیز که فعال کارگری است بازداشت کرده‌اند. بنا به گزارش همین کانال ماموران در ۱۹ اردیبهشت نیز کیوان مهتدی و آنیشا اسدالهی را که از حامیان کارگران و فعالان سندیکایی هستند بازداشت کردند. مهتدی نویسنده و مترجم و آنیشا مترجم هستند.

"کیوان مهتدی در جریان اعتراض‌های سال ۹۷ کارکنان سندیکای اتوبوسرانی برای مدت کوتاهی بازداشت شد. آنیشا اسدالهی نیز در تجمع روز جهانی کارگر در سال ۹۸ بازداشت و با قید وثیقه آزاد شد."

خبرهای منتشر شده توسط منابع کارگری از تداوم بازداشت معلمان و بازداشت مجدد آنان بعد از آزاد شدن حکایت دارد. هنوز بطور دقیق اطلاعی از تعداد معلمانی که دستگیر شده‌اند در دست نیست.

در یکی از لیست‌هایی که از بازداشت شدگان در کانال‌های خبر رسانی معلمان منتشر شده تعداد بازداشت شدگان بیش از ۷۰ نفر با اسامی شان ذکر شده است. گفته می‌شود تعدادی از آنان بعداً آزاد و تعداد دیگری نیز بازداشت شده‌اند.

نگرانی از بابت بازداشت شدگان خاصه در مورد اسماعیل عیدی و آنانی که در همبستگی باوی اعلام اعتصاب غذا کرده‌اند در میان خانواده‌های آنان و کنشگران مدنی و سیاسی فزاینده است. زندانبانان که معلوم نیست چه برنامه‌هایی برای زندانیان دارند خانواده‌ها را نیز از وضعیت عزیزان در بندشان بی‌خبر گذاشته‌اند.

ادامه اعتراضات مزدی پزشکان داروساز

جمعی از پزشکان داروساز در ۲۱ اردیبهشت بار دیگر در اعتراض به اندک بودن دریافتی‌ها شان و حقوق‌های تعیین شده توسط انجمن داروسازان تجمع و خواستار افزایش حقوق‌های خود متناسب با افزایش قیمت‌ها شدند. روز ۱۱ اردیبهشت نیز آنان تجمع اعتراضی دیگری با خواست افزایش حقوق برگزار کردند که تا کنون به آن پاسخ داده نشده.

اعتراض کارکنان بیمارستان عالی نسب

کارکنان بیمارستان عالی نسب تبریز در ۲۰ اردیبهشت با برگزاری یک تجمع اعتراضی خواستار رفع تبعیضات موجود میان حقوق و مزایا و پرداختی‌های کارکنان بیمارستان شدند.

*

اعتراض به تبعیض و اجرا نکردن طبقه بندی مشاغل

کارگران شهرداری دزفول در ۱۹ اردیبهشت در اعتراض به اجرا نشدن طبقه بندی در شهرداری و اعمال تبعیض در تبدیل قراردادها بین کارگران عادی و ایثارگران تجمع و خواستار رفع تبعیض و اجرای طبقه بندی شدند. کارگران منتظرند با اجرای طبقه بندی و تغییر قرار داد‌های کارشان دستمزدهای شان افزایش پیدا کند.

از مبارزه معلمان برای آزادی فعالین صنفی معلمان از زندان حمایت کنیم!

همه با هم برای آزادی کارگران، معلمان و کلیه زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!



پرسنل قراردادی مدت موقت نفت شنبه بیست و چهارم اردیبهشت در بعضی از شهرهای نفتی از جمله در اهواز، گچساران و خارگ دست به تجمع زده و خواستار اعمال افزایش حقوق در سال ۱۴۰۱ بر اساس مصوبه شورای عالی کار شدند



ادامه مبارزه معلمان شهرهای مختلف برای آزادی معلمان زندانی



در ادامه یورش ماموران سرکوبگر حکومت، به فعالین سندیکایی رضا شهابی و ریحانه انصاری نژاد بازداشت شدند





پایان اعتصاب غذای دو هفته‌ای اسماعیل عبدی به درخواست معلمان

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می‌توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می‌توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>